



## مطالعه رابطه مهارت‌های اینترنتی با میزان بهره‌مندی

### نوجوانان شهر شیراز از فرصت‌های اینترنتی

محمدتقی عباسی شوازی\*

فاطمه جعفریان\*\*

محمدتقی ایمان\*\*\*

#### چکیده

سرعت و وسعتی که امروزه کودکان و نوجوانان از فن‌آوری اینترنت و موبایل در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند در تاریخ اجتماعی انتشار فن‌آوری بی‌سابقه است. اجتناب ناپذیری استفاده از اینترنت لزوم پرداختن به موضوع فرصت‌های اینترنتی را در حوزه پژوهش و سیاست‌گذاری ضروری ساخته است. پیمایش حاضر با هدف مطالعه رابطه بین مهارت‌های اینترنتی و میزان بهره‌مندی نوجوانان از فرصت‌های اینترنتی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول و دوم شهر شیراز بوده و پاسخگویان با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با ۹۸ درصد فاصله اطمینان و ۴ درصد خطا ۸۴۴ نفر تعیین و در نهایت ۸۶۹ دانش‌آموز پرسشنامه برخط این مطالعه را تکمیل کرده‌اند. نتایج توصیفی حاکیست بیشترین بهره‌مندی دانش‌آموزان از فرصت‌های اینترنتی به ترتیب مربوط به ارتباطات اجتماعی، تفریح و سرگرمی و کمترین آن به ترتیب فرصت‌های مشارکت مدنی - سیاسی و خلاقانه بوده است. در بخش مهارت‌ها، نتایج نشان داد بالاترین میانگین مربوط به مهارت عملیاتی و کمترین میانگین مربوط به مهارت اطلاعاتی بوده است. نتایج استنباطی مطالعه نشان داد، تمامی انواع مهارت‌های اینترنتی تأثیری مثبت و معنادار بر تمامی فرصت‌های اینترنتی داشته‌اند. همبستگی بین متغیر کل مهارت‌ها و کل فرصت‌ها (۴۸۳/۲-) نشان‌دهنده یک رابطه مثبت و به لحاظ شدت متوسط بوده است. یافته‌ها بیانگر آن است که می‌توان با اطمینان بالایی مدعی شد تنها با افزایش مهارت و سواد اینترنتی نوجوانان تا حد بسیار زیادی بهره‌مندی آنان از فرصت‌های اینترنتی را افزایش داد.

**واژگان کلیدی:** اینترنت، فرصت‌های اینترنتی، مهارت‌های اینترنتی، کودکان- نوجوانان، دانش‌آموزان

\* استادیار جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

\*\* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

\*\*\* استاد جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

## مقدمه و طرح مسأله

وابستگی انسان امروز به اینترنت و تکنولوژی‌های هوشمند در کنار سبک زندگی در دوران همه گیری کرونا راه را برای افزایش کاربران اینترنت و برخط ماندن آن‌ها هموار کرده است؛ به نحوی که بنا بر ضرورت‌های متعدد، سرعت دسترسی کودکان و نوجوانان هم به رسانه‌های برخط، ادغام شده، موبایل و شبکه‌ای به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. محتوا و محیط اجتماعی و تعاملی برآمده از این فضا هر کاربری را در معرض فرصت‌های متعدد و متنوعی قرار می‌دهد (لیوینگستون و هادون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ لیوینگستون و هلسپر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰).

اینترنت تجلی دنیای نوین ارتباطات است. نمابر، تلفن، تلویزیون و روزنامه نیز از ابتدا این قدر فراگیر نبودند. اینترنت به عنوان یکی از نمودهای تازه از ارتباطات به همه‌جا رسوخ می‌کند. این روند تکاملی و رو به رشد، گسترش روزافزون ارتباط بین مردم سراسر دنیا است که خواهان ارتباط و تبادل اطلاعات هستند. اینترنت قدیمی‌ترین و کامل‌ترین مظهر شاهراه‌های اطلاعاتی الکترونیکی است و همان سیستمی است که به رایانه‌ها امکان تبادل اطلاعات با یکدیگر را می‌دهد (نوظهور، ۱۳۷۷: ۱). در حالی که ارتباط نوجوانان و جوانان با اینترنت ممکن است باعث رشد مهارت‌های مختلف آن‌ها شود و آن‌ها را جهت زندگی در دنیای نوین سازگار سازد، اینترنت می‌تواند دنیایی از خطرات و آسیب‌های مجازی را هم بر روی آن‌ها باز کند (عبداللهیان، ۱۳۸۴)، اما اجتناب‌ناپذیری استفاده از اینترنت، ضرورت توجه و مطالعه فرصت‌های اینترنتی را بیشتر می‌کند. کما اینکه هرچه بهره‌مندی از فرصت‌ها افزایش یابد، می‌تواند آسیب‌ها و مخاطرات را نیز کاهش دهد. طبق آمار رسمی در سال ۱۳۹۶، ۹۰/۱ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه به تلفن همراه دسترسی داشتند که این مقطع بیشترین سهم از کل مقاطع را دارد (۴۶/۹) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). پس از آخرین سرشماری ملی، رشد در دسترسی به اینترنت شتاب زیادی داشته است و شروع همه‌گیری کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ بر این شتاب افزوده است. در طی سال‌های مذکور، ضریب نفوذ اینترنت پهن باند حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است که بخش زیادی از این رشد متوجه نوجوانان می‌شود.

فناوری‌های دیجیتال فرصت‌های گسترده‌ای را برای سرگرمی، ارتباطات، اطلاعات و آموزش فراهم می‌کند که نوجوانان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. توجه نسل‌های جدید مجذوب فرصت‌هایی شده است که به دلیل ویژگی‌های خاص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی پدید آمده‌اند که برخی از این ویژگی‌ها شامل جذابیت، سرعت تبادل اطلاعات، تنوع موضوعات، سهولت دسترسی و احساس لذت می‌شود. در فضای مجازی، کاربران این توانایی را دارند که در هرکجا که هستند، از خدمات مختلف استفاده کنند و اطلاعات و محتوایی که نیاز دارند را بدست بیاورند. مهارت‌های اینترنتی یک امر ضروری در هنگام استفاده از فضاهای برخط است زیرا به نوجوانان این امکان را می‌دهد که فرصت‌های بیشتری را بدست آورند (رادریگز دیاز، اوستن و ایگارتوا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). به عنوان مثال، ارتباطات برخط می‌تواند خود افزایش<sup>۴</sup> اینترنتی را تقویت کند، یعنی ارتباطات برخط در مورد مباحث شخصی که معمولاً به راحتی افشا نمی‌شوند، مانند احساسات، نگرانی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فرد که به نوبه خود می‌تواند بهزیستی و روابط اجتماعی نوجوانان را ارتقا بخشد (والکنبورگ، پیوتروسکی، هرمانز و دی لیو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). علاوه بر این، استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌تواند برای رشد مهارت‌های همدلی در نوجوانان مفید باشد (ووسن<sup>۶</sup> و والکنبورگ، ۲۰۱۶). همچنین بین بازی‌های ویدئویی برخط یا بازی‌های رایانه‌ای و داشتن مهارت‌های بالاتر برای حل مسأله و افزایش سرعت و توجه در محاسبات ریاضی ارتباطی وجود دارد (آداجی و ویلوبی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). همچنین کودکان کم‌درآمد که بیشتر از اینترنت استفاده می‌کردند، توانایی‌های خواندن بیشتری داشتند (جکسون<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۶).

با این وجود، درک نسبتاً کمی از مزایا و فرصت‌های مختلفی که نوجوانان می‌توانند به صورت برخط دسترسی پیدا کنند وجود دارد؛ مثلاً در ایران بیشتر به مخاطرات اینترنتی توجه شده و در معرض رسانه قرار گرفتن در درجه اول به عنوان یک آسیب بالقوه در نظر گرفته شده است. در واقع، سال‌هاست تحقیقات عمدتاً در جهت محدود کردن یا کاهش در معرض رسانه قرار گرفتن فرزندان بوده است (معیدفر، گنجی و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۸۶؛ بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۲؛ سعدی پور، ۱۳۹۲؛ بختیاری، ۱۳۹۴؛ دهقان و مهرایی، ۱۳۹۹) و حتی کمبود تحقیقات جهانی درباره مزایا و فرصت‌های مشارکت اینترنتی نوجوانان وجود دارد. شواهد

موجود غالباً تکه‌تکه، متمرکز بر سیستم‌ها یا گروه‌های جمعیتی خاص است و از طریق مطالعات کوتاه مدت به دست آمده است (لیوینگستون و اونیل<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴).

رویکرد رایج در برخورد با اینترنت و فضای آن به شدت تحت تأثیر میراث رسانه‌های جمعی غالب است، جایی که در معرض رسانه قرار گرفتن در درجه اول به عنوان یک آسیب بالقوه در نظر گرفته شده است. در واقع سال‌هاست تحقیقات عمدتاً تلاش‌های والدین را برای محدود کردن یا کاهش در معرض رسانه قرار گرفتن فرزندان و یا کاهش اثرات منفی آن با افزایش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان مورد ارزیابی قرار داده‌اند و توصیه‌های سیاست‌گذاری نیز در همین ابعاد بوده است. اگرچه محافظت از فرزندان از اهمیت بسیاری برخوردار است، اما چنین توصیه‌هایی برای برآورده کردن انتظارات روزافزون نوجوانان از رسانه‌های دیجیتالی در رابطه با یادگیری، اشتغال، ارتباطات و مشارکت کافی نیست (لیوینگستون، ۲۰۱۳). براساس دیدگاه هورویتز و اسمیت<sup>۱۰</sup> (۲۰۲۰) مهارت‌های دیجیتالی در اوایل کودکی یک پیش‌بینی کننده مثبت و تا حدی معنی‌دار برای عملکرد تحصیلی در اواسط دوران کودکی بوده است. علاوه بر این، مهارت دیجیتالی در اوایل کودکی به طور غیرمستقیم از طریق مهارت‌های دیجیتالی بر روی عملکرد تحصیلی اواسط دوران کودکی تأثیرگذار بوده است و به طور قابل توجهی ارتباط مثبت با عملکرد کودکان در مدرسه داشته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد استفاده از فناوری‌های دیجیتالی می‌تواند مفید باشد، به شرط آنکه کودکان از این زمان برای کسب مهارت‌های دیجیتالی به نحو احسن استفاده کنند. لذا به جای دسترسی صرف به فناوری یا محدود کردن استفاده آن‌ها باید بر توسعه مهارت‌های دیجیتالی تمرکز کرد.

اگرچه استفاده‌ی نوجوانان از اینترنت زمینه‌ساز فرصت‌ها و تهدیدها است، به همان میزان که فعالیت آنها در این فضا بیشتر می‌شود، احتمال وارد شدن به عرصه‌های مخاطره‌آمیز و درعین‌حال بهره‌مند شدن از فرصت‌ها نیز افزایش می‌یابد اما سواد دیجیتالی و افزایش مهارت‌های اینترنتی می‌تواند بر کاهش خطرات اینترنتی برای کودکان در دنیای سایبری تأثیر بگذارد و با فرصت‌های اینترنتی نیز همراه است (پورناما، اولفا، ماچالی، ویبوو و نارمدیتیا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۲۱ و کابلوهات، کلارو و کابلو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۸). با توجه به اهمیت جایگاه، کارکردها و جذابیت اینترنت در سازمان اجتماعی

جوامع معاصر، حذف و محدود کردن آن امکان پذیر و حتی واقع‌بینانه نیست. از سوی دیگر صرف نگاه آسیب‌شناسانه نمی‌تواند تمامی واقعیت‌های اینترنت و فضای مجازی را نشان دهد. در واقع مسأله اصلی این پژوهش این است که نگاه منفی و بدبینانه موجود به تحولات فناوری در عرصه رسانه‌های جدید و بی‌توجهی به نیازهای ارتباطی مخاطبان از یکسو، و عدم آگاهی و آموزش در جهت افزایش مهارت‌های اینترنتی از سوی دیگر، نه تنها ما را از شناخت علمی اینگونه مسائل دور می‌کند بلکه زمینه را برای پیامدهای منفی این تکنولوژی‌ها فراهم می‌آورد (کیا و نوری مرادآبادی، ۱۳۹۱: ۲۱۲-۱۸۱). بر همین اساس، این پژوهش با توجه به نگاه‌های عمدتاً آسیب‌شناسانه و محدودیت‌ساز سیاست‌گذاران و اشراف به شکاف تحقیقات آکادمیک در حوزه مطالعات مرتبط با فرصت‌های اینترنتی، تلاش کرده است با تمرکز بر مطالعه فرصت‌های اینترنتی، نقش میزان سواد دیجیتال دانش‌آموزان در بهره‌مندی از این فرصت‌ها را بطور علمی مطالعه و تبیین کند.

### چارچوب نظری پژوهش

بنا بر ضرورت‌های زندگی در دنیای نوین، سرعت دسترسی کودکان و نوجوانان به رسانه‌های برخط به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و محتوا و محیط اجتماعی و تعاملی برآمده از این فضا هر کاربری را در معرض فرصت‌های متعدد و متنوعی قرار می‌دهد (لیوینگستون و هادون، ۲۰۰۹؛ لیوینگستون و هلسپر، ۲۰۱۰).

فرصت‌های اینترنتی به ظرفیت‌هایی درون اینترنت گفته می‌شود که با انجام و اقدامات مجازی به وسیله نوجوانان به نتایج سودمند و مفید تبدیل می‌شود (نوسام<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۱). فرصت‌ها جنبه مادی یا ساختاری دارند و ساختارهای برخط و برون‌خط ممکن است فعالیت‌های جوانان را فعال یا محدود کنند (لیوینگستون و هلسپر، ۲۰۰۷). فرصت‌ها همچنین دارای یک بعد تخیلی یا نمادین هستند که نحوه عملکرد کودکان را نسبت به آن‌ها شکل می‌دهد. از این رو ظرفیت‌های کودکان برای بسیج‌سازی فرصت‌های اینترنتی در مهارت‌ها، عادت‌ها و اعمال آن‌ها و همچنین در نگرش و تمایل‌های آن‌ها پایه‌گذاری شده است. همچنین دسترسی به فرصت‌های

اینترنتی با مواجهه بیشتر نوجوانان و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها در استفاده از رسانه‌های دیجیتال برای طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها به همراه افزایش سن، شدت می‌یابد (لیوینگستون، هادن، الافسن و گورزیگ، ۲۰۱۱). لیوینگستون و همکاران (۲۰۱۷) در پروژه کودکان آنلاین جهان برای سنجش مفهوم فرصت‌های اینترنتی هفت بُعد را شامل آموزش و یادگیری، مشارکت برخط در جامعه، مشارکت مدنی به صورت اینترنتی، فعالیت خلاقانه، ارتباطات اجتماعی، تفریح و سرگرمی و سلامت و علایق شخصی) در نظر گرفتند (لیوینگستون و همکاران، ۲۰۱۷: ص ۱۷-۱۵). آنها معتقدند نوجوانان روند پله‌ای یا مرحله‌ای اعمال اینترنتی را دنبال می‌کنند که - به‌طور ایده‌آل - به تدریج مهارت‌های جدیدی را توسعه داده و دامنه تعامل خود را با گذشت زمان افزایش می‌دهند. «کاربران مبتدی»<sup>۱۴</sup> بر جستجوی اطلاعات تمرکز می‌کنند. «کاربران میانی»<sup>۱۵</sup> در بازی‌ها شرکت می‌کنند و از ایمیل استفاده می‌کنند، بنابراین سرگرمی و ارتباط را به جستجوی اطلاعات اضافه می‌کنند. «کاربران گسترده»<sup>۱۶</sup> پیام فوری و بارگیری موسیقی را به مجموعه اعمال خود اضافه می‌کنند و از اینترنت برای گسترش تعامل با همسالان خود استفاده می‌نمایند و کاربران «همه‌جانبه» علاوه بر آنچه گفته شد طیف گسترده‌ای از کاربردهای تعاملی و خلاقانه را نیز دربرمی‌گیرند (لیوینگستون و هلسپر، ۲۰۰۷). به نظر می‌رسد قرار گرفتن در معرض وسیع‌ترین طیف فرصت‌های اینترنتی به‌طور پیوسته با حرکت نوجوانان از «کاربران مبتدی» به «کاربران همه‌جانبه» صورت می‌گیرد.

از بین عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی، مهارت‌های اینترنتی یک پیش شرط اساسی برای بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی است. متغیرهای جمعیت‌شناختی و مهارت‌ها نقش مهمی در توضیح تغییرات در وسعت و عمق استفاده از اینترنت دارند. هرچه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، شکاف جنسیتی از نظر تنوع و میزان استفاده گسترش می‌یابد. همچنین، ظرفیت کودکان برای بهره‌مندی از مشارکت برخط به سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، فراوانی استفاده و مهارت و خودکارآمدی اینترنتی وابسته است. لذا به نظر می‌رسد ظرفیت استفاده حداکثری از فرصت‌های برخط منعکس‌کننده روندهای گسترده‌تری است که شمولیت اجتماعی کودکان و نوجوانان را شکل می‌دهند. کسانی که از لحاظ اجتماعی دارای شمولیت هستند، به احتمال زیاد

به طیف کاملی از مزایای اینترنتی دسترسی پیدا می‌کنند، درحالی که کودکانی که به حاشیه رانده شده‌اند کمتر این احتمال برای آن‌ها متصور است (لیوینگستون و هلسپر، ۲۰۰۷). بزرگ‌تر شدن، دسترسی به اینترنت در خانه، داشتن والدین با سطح تحصیلات عالی و داشتن مهارت دیجیتالی بیشتر با فرصت‌های اینترنتی همراه هستند (کابلو هات، کلارو و کابلو، ۲۰۱۸) و همچنین سواد دیجیتال می‌تواند بر کاهش خطرات اینترنتی کودکان و نوجوانان در دنیای سایبری تأثیر بگذارد (پورناما، اولفا، ماچالی، ویبوو و نارمدیتیا، ۲۰۲۱).

اهمیت مهارت‌های اینترنتی از آنجاست که استفاده از اینترنت و مهارت‌های اینترنتی، میانجی‌گری روابط بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و تجربه نوجوانان از فرصت‌های اینترنتی است (لیوینگستون و هلسپر، ۲۰۱۰) و همچنین براساس دیدگاه تارتاری<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۵) رسانه‌های اجتماعی و فضای دیجیتال در افزایش مهارت‌های اینترنتی کودکان و نوجوانان از جمله توانایی‌های ارتباطی، کسب اطلاعات، توسعه مهارت‌های فنی و نحوه استفاده مؤثر از این فناوری به آن‌ها کمک می‌کند. هر چه کودکان و نوجوانان مهارت‌های دیجیتالی بیشتری داشته باشند، بهره‌مندی بیشتری از فرصت‌های اینترنتی به دست می‌آورند (رادریگز دیاز، اوستن و ایگارتوا، ۲۰۱۸).

در اولین تعاریف سواد دیجیتال، فقط به دانش ابزاری در مورد سخت‌افزار و نرم‌افزار اشاره شده است. چندین مورد از سنجش مهارت‌های اینترنت موجود صرفاً بر ویژگی‌های فنی استفاده از اینترنت متمرکز شده است. این تکنیک‌ها اغلب به اصطلاح «دانش دکمه<sup>۱۸</sup>» خوانده می‌شوند. با این حال، اکنون به طور گسترده‌ای اذعان شده است که مهارت‌های اینترنت مفهوم گسترده‌تری را در برمی‌گیرد. چندین مدل مفهوم‌سازی تأکید می‌کنند که هنگام اندازه‌گیری مهارت‌های اینترنت، هم مهارت‌های اساسی لازم برای استفاده از اینترنت و هم مهارت‌های لازم برای درک و استفاده از مطالب برخط باید در نظر گرفته شود. با در نظر گرفتن مهارت‌های اینترنتی مربوط به رسانه و مهارت‌های اینترنتی مرتبط با محتوا، از دیدگاه متمرکز بر جنبه‌های فنی جلوگیری می‌شود. همچنین چندین مفهوم‌سازی، مهارت اینترنت را به مهارت‌های خاص‌تری تبدیل کرده است، اما بیشتر تفسیرها هنوز در درجه اول مهارت‌های مربوط به

جستجوی اطلاعات را به جنبه‌های فنی استفاده اضافه می‌کنند. اگرچه این یک افزودنی ارزشمند برای خود مفهوم است، بسیاری از محققان تأکید می‌کنند که اقدامات نیز باید شامل مهارت‌های ارتباطی و عاطفی-اجتماعی مورد نیاز برای استفاده از رسانه‌های اجتماعی باشد. علاوه بر این، مهارت‌های ایجاد محتوا، یا مهارت‌های خلاقیت، امروزه به عنوان مفاهیم مهمی از مهارت‌های اینترنت ذکر می‌شود (وان دورسن و ون دایک، ۲۰۱۴).

هلسپر، وان دورسن و آینان (۲۰۱۴) با یک رویکرد انتقادی به نظریه‌های پیشین، یک مطالعه تحلیلی انجام دادند که به یک تقسیم‌بندی پنج‌گانه برای اندازه‌گیری مهارت‌های دیجیتال کودکان و نوجوانان منجر شد. در این تحقیق نیز این پنج مهارت اینترنتی مورد سنجش قرار گرفته است. آن‌ها پس از ارزیابی این تقسیم‌بندی جدید با پرسشگری از کودکان و نوجوانان در هلند و انگلیس، آن را جهت استفاده در مطالعات عمومی پیشنهاد داده‌اند. این تقسیم‌بندی شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱) عملیاتی<sup>۱۹</sup>: مهارت به‌کارگیری عملکردهای رایج در رسانه‌های دیجیتال.
  - ۲) اطلاعات و جهت‌یابی<sup>۲۰</sup>: مهارت‌های جستجو، انتخاب و ارزیابی اطلاعات در رسانه‌های دیجیتال.
  - ۳) اجتماعی<sup>۲۱</sup>: توانایی اجتماعی در جمع‌آوری دانش و تبادل معنی با دیگران در شبکه‌ها و امکان تبادل معنی برای تصمیم‌گیری و تحقق معاملات ضمن درک معانی دیگران.
  - ۴) خلاقانه<sup>۲۲</sup>: مهارت‌های ایجاد محتوای باکیفیت (متن، موسیقی، فیلم، عکس، تصویر و مانند آن) برای انتشار در اینترنت.
  - ۵) موبایلی<sup>۲۳</sup>: مهارت‌های مربوط به بارگیری و استفاده از برنامه‌های تلفن همراه.
- در این مطالعه بر اساس قضایای بالا از نظریه فرصت‌های اینترنتی (لیوینگستون و همکاران، ۲۰۱۷) و نظریه مهارت‌های دیجیتال (هلسپر، وان دورسن و آینان، ۲۰۱۴) هم برای سنجش و هم تبیین روابط بین این دو متغیر استفاده شده است. سعی شده تمامی انواع مهارت‌های دیجیتال سنجیده شود و با سنجش فرصت‌های اینترنتی، روابط بین مهارت‌ها و فرصت‌های اینترنتی تبیین شود.



## فرضیات پژوهش

با توجه به مباحث نظری بالا می‌توان فرضیات اصلی و فرعی زیر را مطرح کرد:

### فرضیه اصلی:

بین مهارت‌های دیجیتالی دانش آموزان با میزان بهره‌مندی آنها از فرصت‌های اینترنتی رابطه وجود دارد.

### فرضیه‌های فرعی :

۱. بین مهارت عملیاتی نوجوانان با بهره‌مندی آنها از تمام فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن رابطه وجود دارد.
۲. بین مهارت اطلاعات و جهت‌یابی نوجوانان با بهره‌مندی آنها از تمام فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن رابطه وجود دارد.
۳. بین مهارت اجتماعی نوجوانان با بهره‌مندی آنها از تمام فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن رابطه وجود دارد.
۴. بین مهارت خلاقانه نوجوانان با بهره‌مندی آنها از تمام فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن رابطه وجود دارد.
۵. بین مهارت موبایلی نوجوانان با بهره‌مندی آنها از تمام فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن رابطه وجود دارد.

### روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از رویکردی کمی و روش پیمایش-مقطعی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه اول و دوم شهر شیراز بوده است. اداره آموزش و پرورش در شهر شیراز به چهار ناحیه تقسیم می‌شود و با توجه به آمار اخذ شده از اداره آموزش و پرورش کل شهر شیراز، در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸، تعداد ۳۶۸۲۱۹ نفر در این دو مقطع مشغول به تحصیل بوده‌اند که ۱۸۵۵۷۲ نفر از آنان پسر و ۱۸۲۶۴۷ نفر دختر بوده‌اند.

با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا و غیرحضور بودن مراکز آموزشی کشور، دسترسی و مصاحبه حضوری با دانش‌آموزان غیرممکن شد. لذا، در این مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و پرسشنامه برخط برای دسترسی به پاسخگویان و جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. برای این کار، در ابتدا چندین بلوک شهری از چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر بطور تصادفی انتخاب شد، از هر بلوک مدارس مقاطع متوسطه اول و دوم، دخترانه و پسرانه دولتی و غیردولتی لیست شدند و از هر مقطعی چند مدرسه دخترانه و چند مدرسه پسرانه دولتی و غیردولتی به طور تصادفی انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با مشخصات ۹۸ درصد فاصله اطمینان و ۴ درصد خطا محاسبه شده است که تعداد ۸۴۴ نفر دانش‌آموز برآورد شده است (فرمول ۱).

$$(1) \quad n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1.96^2 ((0.5)(0.5))}{0.04^2}}{1 + \frac{1}{868219} \left( \frac{1.96^2 ((0.5)(0.5))}{0.04^2} - 1 \right)} = 844$$

برای سنجش متغیرهای اصلی تحقیق از پروژه تحقیقاتی کودکان جهانی آنلاین<sup>۲۴</sup> به سرپرستی لیوینگستون و کاردفلت ویتتر<sup>۲۵</sup> و حمایت یونیسف<sup>۲۶</sup> استفاده شده است (کودکان جهانی آنلاین<sup>۲۷</sup>، ۲۰۲۰). این پروژه که در ادامه موج اول آن (کودکان جهانی آنلاین<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۶) و چندین موج پروژه کودکان اروپایی آنلاین<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۰-۲۰۱۷) در ده‌ها کشور اروپایی و دیگر کشورهای در حال توسعه جهان مورد استفاده قرار گرفته شامل آخرین اصلاحات و تغییرات در ابزارهای سنجش بوده و امروزه به عنوان مقیاسی معتبر به وسیله محققان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

براساس چارچوب نظری، فرصت‌های اینترنتی شامل فعالیت‌های برخط می‌باشد که به نتایج سودمند برای کاربران تبدیل می‌شوند (لیوینگستون و بولجر، ۲۰۱۳). فرصت‌های اینترنتی به ۷ بُعد یادگیری و آموزش (۳ گویه)، مشارکت در جامعه (۳ گویه)، مشارکت مدنی یا سیاسی (۳ گویه)، فعالیت خلاقانه (۴ گویه)، ارتباطات اجتماعی (۷ گویه)، تفریح و سرگرمی (۷ گویه) و سلامت و علایق شخصی (۴ گویه) تقسیم شده و این متغیر را در قالب ۳۱ گویه عملیاتی کرده است (هلسپر، وان دورسن و آیان، ۲۰۱۶). تمامی گویه‌ها در قالب یک طیف پنج مقیاسی (از هیچ‌وقت ۰ تا روزی چند بار ۵) قرار داشتند (رجوع شود به جدول شماره ۲).

برای سنجش متغیر مهارت اینترنتی از ۱۵ گویه استفاده شد. مهارت اینترنتی هم شامل مهارت‌های اساسی لازم برای استفاده از اینترنت و هم شامل مهارت‌های لازم برای درک و استفاده از مطالب برخط که باعث عملکرد موثر نوجوانان در محیط دیجیتال می‌شود، در نظر گرفته شده است. هلسپر، وان دورسن و آینان (۲۰۱۴) یک تقسیم‌بندی پنج‌گانه برای اندازه‌گیری مهارت‌های اینترنتی نوجوانان پیشنهاد دادند. این تقسیم‌بندی شامل موارد زیر می‌باشد: مهارت عملیاتی (۳ گویه)، مهارت اطلاعات و جهت‌یابی (۳ گویه)، مهارت اجتماعی (۳ گویه)، مهارت اخلاقانه (۳ گویه) و مهارت موبایلی (۳ گویه). تمامی پرسش‌ها در قالب یک طیف پنج‌مقیاسی (اصلاً درست نیست ۰ تا کاملاً درست است ۵) قرار داشتند (رجوع شود به جدول شماره ۲) و روابط تمام ابعاد مهارت‌های اینترنتی با تمام فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن، براساس پنج فرضیه بیان شده، سنجیده شده است.

لینک پرسشنامه برخط پژوهش با مجوز آموزش و پرورش در اختیار مدیر و معلمان مدرسه قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد برای اعضاء کلاس‌های انتخاب شده مدرسه ارسال کنند. این فرایند در یک مقطع زمانی یک ماهه انجام شد و در این یک ماه لینک پرسشنامه برخط مرتب در گروه‌های مدارس و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت و از آن‌ها خواسته می‌شد که پرسشنامه را تکمیل کنند. در نهایت ۸۶۹ پرسشنامه تکمیل و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

پرسشنامه برخط این مطالعه در سه بخش کلی، الف، متغیرهای زمینه‌ای؛ ب، فرصت‌های اینترنتی و ج، مهارت‌های اینترنتی تنظیم شد و با استفاده از وب‌گاه پرس لاین<sup>۳۰</sup> در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. برای اطمینان از روایی پرسشنامه و ابزارهای سنجش، از تکنیک روایی صوری و نظرات اساتید و محققان این حوزه بهره گرفته شد. همچنین، در مطالعه‌ای مقدماتی<sup>۳۱</sup> روایی و پایایی پرسشنامه مورد آزمون و تایید قرار گرفت. برای اطمینان از پایایی، پرسشنامه در دو مرحله مطالعه مقدماتی و پایانی مورد آزمون قرار گرفت به طوری که در هر دو مرحله میزان آلفای کرونباخ مقیاس‌ها بالای ۰/۸ به دست آمد. میزان آلفای مقیاس‌های فرصت‌های اینترنتی (۳۱ گویه) و مهارت‌های اینترنتی (۱۵ گویه) به ترتیب ۰/۹۲۱ و ۰/۹۴۰ بوده است. در نهایت و به منظور تحلیل اولیه داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل داده‌های آماری استفاده شده است.

### یافته‌های توصیفی پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش، از ۸۶۹ نفر نمونه آماری این پژوهش ۳۹ درصد پسران و ۶۱ درصد دختران شرکت داشتند؛ نتایج حاکی از مشارکت بیشتر دختران نسبت به پسران بوده است. ۵۶ درصد مشارکت‌کنندگان از مقطع متوسطه اول بوده‌اند و بیشترین درصد پاسخگویی (۲۱/۱ درصد) از پایه هشتم در این مقطع بوده است. ۳۸۲ نفر یا ۴۴ درصد از مقطع متوسطه دوم بوده‌اند و کم‌ترین درصد پاسخگویی (۱۲/۹ درصد) مربوط به پایه دوازدهم بوده است. براساس رشته تحصیلی، بیشترین درصد شرکت‌کنندگان متعلق به رشته تجربی با ۱۹/۶ درصد بود، بعد از آن رشته انسانی با ۱۱/۲ درصد، سپس رشته ریاضی با ۷ درصد و شاخه فنی و حرفه‌ای با ۴/۷ درصد و در آخر کم‌ترین درصد متعلق به شاخه معارف (۱/۵ درصد) بود. بیشتر پاسخگویان، دانش‌آموزان پایه هشتم مقطع متوسطه اول بودند و در مقطع متوسطه دوم بیشتر دانش‌آموزان رشته تجربی مشارکت داشتند. بیشتر مشارکت‌کنندگان (تقریباً ۷۰ درصد) خود را از طبقه متوسط دانسته، نزدیک به ۲۴ درصد خود را از طبقه پائین و محروم معرفی کرده و تنها ۴/۶ درصد از مشارکت‌کنندگان از طبقه بالای جامعه بوده‌اند. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه به طور کامل در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
جنسیت	پسر	۳۳۹	۳۹	طبقه اجتماعی	بالای بالا	۱۷	۲
	دختر	۵۳۰	۶۱		بالا	۳۸	۴/۴
مقطع تحصیلی	متوسطه اول	۴۸۷	۵۶		متوسط رو به بالا	۱۹۳	۲۲/۲
	متوسطه دوم	۳۸۲	۴۴		متوسط رو به پایین	۴۱۴	۴۷/۶
سن	۱۲ تا ۱۵ سال	۵۰۲	۵۷/۸	پایین	۱۶۳	۱۸/۸	
	۱۶ تا ۱۹ سال	۳۶۷	۴۲/۳	محروم	۴۴	۵/۱	
قومیت	فارس	۶۶۵	۷۶/۵	ناحیه	ناحیه ۱	۲۶۱	۳۰
	لر	۸۰	۹/۲		ناحیه ۲	۱۷۲	۱۹/۸
	ترک	۸۰	۹/۲		ناحیه ۳	۲۶۳	۳۰/۳
	عرب	۹	۱		ناحیه ۴	۱۷۳	۱۹/۹

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
محل سکونت	ترکمن	۰	۰	رشته تحصیلی	ریاضی	۶۱	۷
	بلوچ	۲	۰/۲		تجربی	۱۷۰	۱۹/۶
	سایراقوام	۳۰	۳/۵		انسانی	۹۷	۱۱/۲
	روستا	۵۷	۶/۶		فنی و حرفه‌ای	۴۱	۴/۷
	شهرستان	۱۴۱	۱۶/۲		معارف	۱۳	۱/۵
	مرکز استان	۶۷۱	۷۷/۲				

جدول شماره ۲ میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین مقدار متغیرهای مهارت اینترنتی و بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی را به تفکیک ابعاد آن‌ها نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود قریب به اتفاق مهارت‌های اینترنتی دانش‌آموزان به جز مهارت اطلاعاتی در سطحی بالاتر از متوسط قرار دارد. در این میان بالاترین میانگین مهارت مربوط به مهارت عملیاتی با میانگین ۱۲/۴۲ است و پس از آن مهارت‌های اجتماعی و موبایلی قرار دارند. در این میان، کمترین میزان مهارت اینترنتی دانش‌آموزان مربوط به مهارت اطلاعاتی و جهت‌یابی با میانگین ۶/۱۱ بوده است.

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی در بین دانش‌آموزان در سطح متوسطی قرار دارد. در این میان بالاترین میانگین بهره‌مندی از فرصت‌ها مربوط به فرصت ارتباطات اجتماعی است با میانگین ۱۷/۷۰ و کمترین میزان بهره‌مندی مربوط به فرصت مشارکت مدنی/سیاسی برخط با میانگین ۵/۲۹ بوده است. براساس نتایج جدول، به نظر می‌رسد دانش‌آموزان از اینترنت بیشتر در جهت ارتباطات اجتماعی برخط و تفریح و سرگرمی اینترنتی استفاده می‌کنند. اما در مشارکت مدنی/سیاسی برخط و انجام فعالیت خلاقانه در اینترنت ضعیف هستند و بهره‌مندی کمی از این فرصت‌ها دارند. بهره‌مندی از فرصت ارتباطات اجتماعی و تفریح در اینترنت در صورت نظارت والدین و وجود مهارت‌های اینترنتی مفید است، در غیر این صورت می‌تواند آسیب‌زا باشد، به این دلیل که به سمت بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی بیشتر حرکت نمی‌کند.

جدول شماره ۲- مقادیر پراکندگی و گرایش به مرکز ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	ابعاد متغیر	تعداد گویه	رنج	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
مهارت‌های اینترنتی	مهارت عملیاتی	۳	۱۰	۳	۱۵	۱۲/۴۲	۳/۱۶
	مهارت اطلاعاتی	۳	۱۲	۳	۱۵	۶/۱۱	۲/۷۶
	مهارت اجتماعی	۳	۱۲	۳	۱۵	۱۱/۹۸	۲/۹۴
	مهارت خلاقانه	۳	۱۲	۳	۱۵	۱۱/۲۸	۳/۸۶
	مهارت موبایلی	۳	۱۲	۳	۱۵	۱۱/۸۹	۳/۳۴
فرصت‌های اینترنتی	فرصت یادگیری و آموزش	۳	۱۲	۳	۱۵	۹/۸۱	۲/۵۲
	مشارکت برخط در جامعه	۳	۱۱	۳	۱۴	۶/۰۴	۲/۶۴
	مشارکت برخط مدنی یا سیاسی	۳	۱۰	۳	۱۳	۵/۲۹	۲/۳۰
	فرصت فعالیت خلاقانه	۴	۷	۴	۱۱	۵/۶۴	۱/۸۰
	فرصت ارتباطات اجتماعی	۷	۲۴	۷	۳۱	۱۷/۷۰	۵/۳۶
	فرصت تفریح و سرگرمی	۷	۲۷	۷	۳۴	۱۶/۷۶	۶/۵۴
	فرصت سلامت و علایق شخصی	۳	۹	۳	۱۲	۶/۴۵	۲/۲۴

### یافته‌های استنباطی پژوهش

برای آزمون فرضیات و ارزیابی همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته با توجه به سطح متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول شماره ۳ ماتریس همبستگی میان متغیر مستقل و ابعاد آن با متغیر وابسته و ابعاد آن را نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، بین تمامی ابعاد مهارت‌های اینترنتی با فرصت‌های اینترنتی و ابعاد آن همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش در میزان مهارت‌های اینترنتی و ابعاد آن، میزان بهره‌مندی دانش‌آموزان از فرصت‌های اینترنتی در تمامی ابعاد افزایش پیدا می‌کند. در این میان،

بالاترین همبستگی مثبت بین بعد مهارت موبایلی با بعد فرصت ارتباطات اجتماعی بوده است ( $r=0/458, p < 0/001$ ) که نسبت به دیگر ابعاد همبستگی قوی‌تری دارد. مهارت موبایلی همچنین بیش از هر مهارت دیگری با فرصت‌های آموزش و یادگیری، مشارکت مدنی-سیاسی، تفریح و سرگرمی و علایق شخصی همبستگی مثبت و معنادار داشته است. در نهایت، این بعد از مهارت اینترنتی با متغیر فرصت‌های اینترنتی (کل) بالاترین همبستگی ( $r=0/472, p < 0/001$ ) را داشته است.

بعد مهارت خلاقانه اینترنتی گرچه با تمامی ابعاد فرصت‌های اینترنتی رابطه مثبت و معنادار داشته است، بیش از هر مهارت دیگری با فرصت‌های مشارکت برخط در جامعه ( $p < 0/001$ )،  $r=0/236$  و فعالیت خلاقانه ( $r=0/337, p < 0/001$ ) همبستگی مثبت و معنا دار داشته است. بر این اساس مهارت خلاقانه، در رتبه بعد از مهارت موبایلی، با متغیر فرصت‌های اینترنتی (کل) همبستگی مثبت و معنادار ( $r=0/440, p < 0/001$ ) داشته است.

همانطور که در جدول شماره ۳ مشهود است، بعد مهارت اجتماعی، همبستگی معنادار مثبتی با تمامی ابعاد فرصت‌های اینترنتی داشته است؛ این متغیر بیشترین همبستگی را به ترتیب با فرصت ارتباطات اجتماعی ( $r=0/458, p < 0/001$ ) و کمترین همبستگی را با مشارکت برخط در جامعه ( $r=0/152, p < 0/001$ ) داشته است. در نهایت این متغیر با متغیر فرصت‌های اینترنتی (کل) همبستگی مثبت و معنادار ( $r=0/328, p < 0/001$ ) داشته است.

بعد مهارت اطلاعاتی با هر هفت فرصت اینترنتی همبستگی مثبت و معنادار داشته است. این متغیر بیشترین همبستگی را با فرصت ارتباطات اجتماعی ( $r=0/265, p < 0/001$ ) و کمترین همبستگی را با فرصت فعالیت خلاقانه ( $r=0/100, p < 0/001$ ) داشته است. در نهایت این متغیر با متغیر فرصت‌های اینترنتی (کل) همبستگی مثبت و معنادار ( $r=0/264, p < 0/001$ ) داشته است.

بعد مهارت عملیاتی با همه ابعاد فرصت‌های اینترنتی به جز فرصت مشارکت برخط سیاسی-مدنی همبستگی مثبت و معنادار داشته است. این بعد از مهارت، بیشترین تاثیر را بر فرصت ارتباطات اجتماعی ( $r=0/361, p < 0/001$ ) و کمترین همبستگی معنادار را با فرصت مشارکت برخط در جامعه ( $r=0/122, p < 0/001$ ) داشته است.

با آزمون همبستگی متغیر مهارت‌های اینترنتی (کل) با متغیر فرصت‌های اینترنتی متوجه می‌شویم که متغیر مستقل با همبستگی ( $r=0/495, p < 0/001$ ) بیشترین تاثیر را بر بعد فرصت ارتباطات اجتماعی و در رتبه بعد با بعد فرصت تفریح و سرگرمی ( $r=0/436, p < 0/001$ ) گذاشته است. همچنین این متغیر توانسته است با همبستگی ( $r=0/483, p < 0/001$ ) بر تمامی فرصت‌های اینترنتی تاثیر مثبت بگذارد.

جدول شماره ۳- ماتریس همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

فرصت‌ها (کل)	فعالیت خلاقانه	علاقه شخصی	تفریح	ارتباطات اجتماعی	مشارکت مدنی	مشارکت در جامعه	آموزش و یادگیری	مهارت‌ها (کل)	موبایل	خلاقانه	اجتماعی	اطلاعاتی	عملیاتی
عملیاتی													
اطلاعاتی	0/166**												
اجتماعی	0/219**	0/261**											
خلاقانه	0/266**	0/214**	0/266**										
موبایل	0/251**	0/250**	0/172**	0/172**									
مهارت‌ها (کل)	0/195**	0/190**	0/194**	0/194**	0/189**								
آموزش و یادگیری	0/232**	0/211**	0/231**	0/231**	0/231**	0/235**	0/331**	0/336**					
مشارکت در جامعه	0/122**	0/120**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**	0/125**
مشارکت مدنی	0/158	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**	0/157**
ارتباطات اجتماعی	0/361**	0/265**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**	0/361**
تفریح	0/319**	0/188**	0/305**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**
علاقه شخصی	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**	0/188**
فعالیت خلاقانه	0/217**	0/100**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**	0/194**
فرصت‌ها (کل)	0/318**	0/266**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**	0/318**

\*p<0.01, \*\*p<0.001

## بحث و نتیجه گیری

در سال‌های گذشته و به‌طور خاص با شیوع ویروس کرونا در جهان شرایط برای رشد ناگهانی در دسترسی به دستگاه‌های متصل به اینترنت، به ویژه تلفن‌های هوشمند و تبلت برای نوجوانان در سرار جهان به وجود آمده است. این امر دسترسی نوجوانان به اینترنت موبایل و امکاناتی که به همراه دارد را بسیار بیشتر کرده است. سرعتی که کودکان و نوجوانان به فناوری‌های برخط، موبایل و شبکه دسترسی پیدا کرده‌اند در تاریخ نوآوری و انتشار فناوری بی‌سابقه است. پژوهش حاضر به دنبال مطالعه تأثیر مهارت‌های اینترنتی نوجوانان بر روی میزان بهره‌مندی آن‌ها از فرصت‌های اینترنتی بوده است.



در این مطالعه، فرصت‌های اینترنتی مطابق با پروژه کودکان آنلاین جهان به فرصت یادگیری و آموزش، فرصت مشارکت در جامعه، فرصت مشارکت مدنی/سیاسی، فرصت ارتباطات اجتماعی، تفریح و سرگرمی، سلامت و علایق شخصی و فعالیت خلاقانه تقسیم‌بندی شد. مسأله مهم این است که گرچه کودکان، فرزندخواندگان اولیه فن‌آوری‌های هوشمند هستند، در رأس فن‌آوری‌های دیجیتال نیز قرار دارند و به عنوان بومیان دیجیتال شناخته می‌شوند، اما ما نمی‌توانیم به طور خودکار آن‌ها را با سواد دیجیتال در نظر بگیریم (مارگاریان، لیدل‌جان و وِجت<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۱).

نتایج توصیفی حاکی از آن است که دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در این مطالعه در بازه سنی ۱۲-۱۹ سال و با میانگین سنی ۱۵/۱۱ از مقاطع متوسطه اول و دوم شهر شیراز بوده‌اند. بیشتر مشارکت‌کنندگان از قومیت فارس، طبقه متوسط و دختران بوده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۱). در بعد مهارت‌های اینترنتی، نتایج حاکی است که دانش‌آموزان بیشترین مهارت را به ترتیب در ابعاد مهارت عملکردی با میانگین (۱۲/۴۲)، اجتماعی (۱۱/۹۸) و موبایلی (۱۱/۸۹) دارند و با فاصله زیاد از کمترین مهارت در بعد مهارت اطلاعاتی (۶/۱۱) برخوردار هستند. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان در سال‌های اخیر در حین استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و به‌طور خاص موبایل، عملکردهای رایج در رسانه‌های دیجیتال را یادگرفته و مهارت کافی را در بعد عملکردی کسب کرده‌اند. مهارت موبایلی به مهارت‌های مربوط به بارگیری و استفاده از برنامه‌های تلفن همراه اشاره دارد. امکان جابجایی، سهولت استفاده و قیمت ارزان‌تر گوشی‌های هوشمند به افراد، این امکان را می‌دهد که راحت‌تر به آن دسترسی داشته باشند و در هر مکان و زمانی به راحتی به اینترنت متصل شده و فعالیت‌های مورد نظر خود را دنبال کنند. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان در دوران کرونا و آموزش‌های برخط مدارس، دسترسی بیشتری به موبایل و کسب مهارت‌های مرتبط با آن داشته‌اند. به همین دلیل این بعد از مهارت اینترنتی بیشترین تاثیر را بر بهره‌مندی دانش‌آموزان از اغلب فرصت‌ها داشته است.

نتایج حاکی است، دانش‌آموزان مهارت اطلاعاتی پائینی دارند، یعنی در جستجو، انتخاب و ارزیابی اطلاعات که مهارت اطلاعاتی آن‌ها را شکل می‌دهد هنوز از کفایت لازم برخوردار نیستند؛ این مسأله می‌تواند برای آن‌ها و حتی جامعه بسیار آسیب‌زا باشد. در حقیقت،

دانش‌آموزان از بینشی انتقادی برای ارزیابی اطلاعات به دست آمده در فضای مجازی برخوردار نیستند تا بتوانند اطلاعات صحیح و غلط را از یکدیگر تشخیص دهند. همراستا با این نتایج، تحقیقات دیگران از جمله لیوینگستون و هلسپر (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که نوجوانان در یافتن، مدیریت و ارزیابی اطلاعات مشکل دارند. براساس این نتایج که مهارت اطلاعاتی دانش‌آموزان را در سطح پائینی نشان می‌دهد، برنامه‌ریزی برای افزایش این مهارت ضروری است. همچنین به والدین پیشنهاد می‌شود که مهارت‌های اینترنتی خود را گام به گام با فرزندان خود ارتقاء داده و آگاهی و شناخت خود را نسبت به فرصت‌ها و مخاطرات اینترنت افزایش دهند تا مانع از افزایش شکاف نسلی بین خود و فرزندان شوند.

در بخش فرصت‌های اینترنتی، نتایج نشان داد میانگین میزان بهره‌مندی از فرصت یادگیری و آموزش برخط (۹/۸۱)، فرصت مشارکت برخط در جامعه (۶/۰۴)، مشارکت مدنی یا سیاسی به صورت اینترنتی (۵/۲۹)، فرصت فعالیت خلاقانه (۵/۶۴)، فرصت ارتباطات اجتماعی (۱۷/۷۰)، فرصت تفریح و سرگرمی (۱۶/۷۶) و میانگین فرصت دنبال کردن سلامت و علایق شخصی (۶/۴۵) بوده است. براساس چارچوب نظری نردبان فرصت‌ها (لیوینگستون و هلسپر، ۲۰۰۷) نتایج این تحقیق نشان داد دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم بیشتر در پله دوم «کاربران میانی» که از اینترنت برای سرگرمی و ارتباط استفاده می‌کنند مانده‌اند و نتوانسته‌اند چندان وارد مراحل پله‌های سوم و چهارم که به ترتیب کاربر «گسترده» و «همه‌جانبه» نام دارد شوند. به همین دلیل کمتر از فرصت‌های فعالیت خلاقانه بهره می‌برند. این یافته هم‌راستا با نتایج مطالعات دیگران از جمله دلپسند (۱۳۹۰) است که در آن اکثریت دانش‌آموزان برای تفریح و سرگرمی از اینترنت استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد ظرفیت استفاده حداکثری از فرصت‌های اینترنتی منعکس‌کننده روندهای گسترده‌تری است که شمولیت اجتماعی کودکان و نوجوانان را شکل می‌دهد. کسانی که از لحاظ اجتماعی دارای شمولیت هستند، به احتمال زیاد به طیف کاملی از مزایای برخط دسترسی پیدا می‌کنند، درحالی که کودکانی که به حاشیه رانده شده‌اند کمتر احتمال بهره‌مندی از این فرصت را دارند. به بیان دیگر بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی را باید در بستر گسترده‌تر نابرابری‌هایی فهم کرد که در زمینه استفاده از فرصت‌های دیجیتال مؤثر هستند.

نتایج استنباطی پژوهش نشان می‌دهد که بین تمام مهارت‌های اینترنتی پاسخگویان با میزان بهره‌مندی آن‌ها از فرصت‌های اینترنتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ به بیان دیگر هر چه مهارت‌های اینترنتی دانش‌آموزان افزایش یابد، بهره‌مندی آن‌ها از فرصت‌های اینترنتی هم بیشتر می‌شود. این نتایج هم‌راستا با مطالعات دیگران بوده است (کابلو هات، کلاو و کابلو، ۲۰۱۸؛ رادریگز‌دپاز، اوستن و ایگارتوا، ۲۰۱۸). در این میان مجموع مهارت‌ها (کل) بیشترین تأثیر را بر فرصت ارتباطات اجتماعی دانش‌آموزان ( $r=0/495, p < 0/001$ ) گذاشته است. این یافته نه تنها برای مهارت‌های (کل) بلکه تمامی انواع مهارت‌ها بالاترین همبستگی را با فرصت ارتباطات اجتماعی داشته است. به احتمال زیاد برآیند کلی مهارت‌های دانش‌آموزان در خدمت بهره‌مندی از امکانات اینترنت برای برقراری و گسترش ارتباطات با دیگران بوده است. این یافته اهمیت و نیاز به ارتباطات اجتماعی برای کودکان و نوجوانان از یکسو و از سوی دیگر امکانات تعاملی اینترنت برای بهره‌مندی از آن را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد نه تنها نیاز به ارتباطات اجتماعی بلکه شرایط خاص همه‌گیری ویروس کرونا و فروکاهش ارتباطات چهره به چهره عاملی مضاعف برای بهره‌گیری دانش‌آموزان از اینترنت برای ارتباطات بوده است. نکته مهم در این میان اینکه، نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزان در همین شرایط شیوع ویروس کرونا و آموزش از راه دور به میزانی که از اینترنت برای ارتباطات اجتماعی بهره برده‌اند از فرصت آموزش و یادگیری اینترنتی استفاده نکرده‌اند. مطالعات متعددی نشان می‌دهد که استفاده تعاملی از اینترنت بیشتر از استفاده‌های غیرتعاملی می‌تواند بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی تأثیر گذار باشد (عباسی شوازی، همایون، ۱۳۹۳). این یافته ضرورت انجام مطالعات تکمیلی با محوریت ارتباطات و تعاملات اجتماعی کودکان و نوجوانان در اینترنت را بیش از پیش گوشزد می‌کند.

داشتن دسترسی و استفاده از اینترنت و همچنین مهارت اینترنتی در نوجوانان پیش شرطی اساسی برای بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی است. اما باید توجه داشت، استفاده از اینترنت با اینکه فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را در اختیار کودکان و نوجوانان قرار داده و رشد اجتماعی و عاطفی آنها را ارتقاء می‌دهد (چن و شای<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۹: ۱۷۳؛ شجاعی، احمدی و همکاران ۱۳۹۶: ۵۵۲) می‌تواند آن‌ها را در معرض مخاطرات متعددی همچون دریافت و ارسال پیام‌های جنسی، آزار و اذیت اینترنتی<sup>۳۴</sup>، ملاقات با غریبه‌ها، هرزه‌نگاری و نفرت پراکنی سایبری<sup>۳۵</sup> قرار دهد و

سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تهدید کند (دیویس و اندلار<sup>۳۶</sup>، ۲۰۰۱: ۱۰؛ بوید و الیسون<sup>۳۷</sup>، ۲۰۰۷: ۲۱۸). مطالعات متعدد نشان داده‌اند که افزایش مهارت اینترنتی افراد به‌طور مستقیم می‌تواند آسیب‌پذیری آن‌ها را از مخاطرات اینترنتی کاهش دهد (مش<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۹؛ لیوینگستون و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین یکی از محدودیت‌های این پژوهش عدم سنجش مخاطرات اینترنتی بوده است که پیشنهاد می‌شود محققان در تحقیقات آینده در کنار سنجش فرصت‌های اینترنتی میزان مواجهه کودکان و نوجوانان با مخاطرات اینترنتی را نیز بسنجند.

نتایج حاکی از بالاترین همبستگی مثبت بین مهارت موبایلی با فرصت‌ها (کل) بوده است ( $r=0/474$ ,  $p < 0/001$ ). مهارت موبایلی به مهارت‌های مربوط به بارگیری و استفاده از برنامه‌های تلفن همراه اشاره دارد و از آنجا که به احتمال زیاد در دسترس‌ترین مجرای اتصال به اینترنت برای دانش‌آموزان موبایل است توانسته بیشترین تأثیر را بر بهره‌مندی از فرصت‌ها داشته باشد. این مهارت همچنین توانسته است در بین دیگر مهارت‌ها بالاترین همبستگی‌ها با انواع فرصت‌ها به جز فرصت مشارکت در جامعه را از آن خود کند که نشان‌دهنده اهمیت این مهارت برای کودکان و نوجوانان است.

توصیه کلی این مطالعه به والدین، معلمان و در کل به مسئولان آموزش و پرورش این است که محدود کردن دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت نه تنها بهره‌مندی از فرصت‌های اینترنتی را از آن‌ها می‌گیرد بلکه مهارت اینترنتی آن‌ها را نیز کاهش داده و در نهایت منجر به آسیب‌پذیری بیشتر آن‌ها از مخاطرات می‌شود. بهترین راهبرد برای به حداکثر رساندن بهره‌مندی دانش‌آموزان از فرصت‌های اینترنتی و کاهش مخاطرات آن، افزایش مهارت اینترنتی آن‌ها و نظارت‌های فعال، مشارکتی و ایمن بر نحوه استفاده آن‌ها از اینترنت است و نه صرفاً محدود کردن دسترسی. یعنی به جای دسترسی صرف به فناوری، باید بر توسعه مهارت‌های دیجیتالی کودکان تمرکز کرد چرا که اجازه دادن به کودکان خردسال برای مقداری استفاده از فناوری‌های دیجیتال می‌تواند مفید باشد، به شرطی که کودکان از این زمان برای کسب مهارت‌های دیجیتال به نحو احسن استفاده کنند (هورویتز و اسمیت، ۲۰۲۰). لذا به سازمان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود که کلاس‌ها و کارگاه‌هایی را جهت افزایش مهارت‌های اینترنتی و سواد رسانه‌ای برای معلمان، دانش‌آموزان و والدین برنامه‌ریزی و اجرا کنند.

## منابع

- احمدی، م. (۱۳۹۰). سنجش سواد دیجیتالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کیا، علی اصغر و نوری مرادآبادی، یونس (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به شبکه اجتماعی «فیس‌بوک» (بررسی تطبیقی دانشجویان ایران و آمریکا)، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۳، ۲۱۲-۱۸۱.
- شجاعی، ریحانه، احمدی، سیداحمد، جزایری، رضوان السادات و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۶). شناسایی و مقایسه آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین زوجین (مطالعه موردی در شهر اصفهان)، خانواده پژوهی، ۱۳(۵۲)، ۵۶۸-۵۵۱.
- عباسی شوازی، محمد تقی، همایون، پوریا (۱۳۹۳). رسانه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی: مطالعه رابطه استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی با انزوای اجتماعی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۱۰(۳۶) ۴۳-۶۶.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۴). نوع شناسی و باز تعریف آسیب‌های اینترنتی و تغییرات هویتی در ایران. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲(۱)، ۱۳۵-۱۵۴.
- معیدفر، سعید؛ گنجی، احمد و حبیب‌پور گنابی، کرم (۱۳۸۶). مطالعه پدیده استفاده اعتیادی از اینترنت در بین نوجوانان و جوانان (۲۵-۱۵ سال) شهر تهران. مجله جهانی رسانه، ۴(۴).
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۵). سواد اطلاعاتی نگاهی به تحول مفهوم سواد در عصر اطلاعات، مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات: ۱۲۲-۰۹.
- نوظهور، م. (۱۳۷۷). تاریخچه اینترنت در جهان و ایران، نشریه توسعه.
- Adachi, P. J., & Willoughby, T. (2013). More than just fun and games: The longitudinal relationships between strategic video games, self-reported problem solving skills, and academic grades. *Journal of youth and Adolescence*, 42(7), 1041-1052.
- Cabello-Hutt, T., Cabello, P., & Claro, M. (2018). Online opportunities and risks for children and adolescents: The role of digital skills, age, gender and parental mediation in Brazil. *new media & society*, 20(7), 2411-2431.
- Chen, L., & Shi, J. (2019). Reducing harm from media: a meta-analysis of parental mediation. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 96(1), 173-193.
- Davis, D. & Endlar, L. D. (2001). Internet gambling. *Computer Fraud & Security*, (2), 9-11.
- Global Kids Online. (2020). Child, Parent and Teacher questionnaires. Available online at: <http://globalkidsonline.net/wp-content/uploads/2016/04/GKO-modular-survey-data-dictionary-full-questionnaire.xlsx>
- Global Kids Online V.1. (2016). Full Survey, all questions all modules. Available online at <http://globalkidsonline.net/tools/survey/v1/>

- Helsper, E. J., Van Deursen, A., & Eynon, R. (2014). Measuring digital skills. *From digital skills to tangible outcomes. Project Report. Recuperado de: www. oii. ox. ac. uk/research/projects.*
- Helsper, E. J., Van Deursen, A., & Eynon, R. (2016). Measuring types of Internet use. *From Digital Skills to Tangible Outcomes project report. Oxford: London School of Economics, University of Twente, Oxford Internet Institute. Retrieved July, 25, 2016.*
- Hurwitz, L. B., & Schmitt, K. L. (2020). Can children benefit from early internet exposure? Short-and long-term links between internet use, digital skill, and academic performance. *Computers & Education, 146*, 103750.
- Jackson, L. A., Von Eye, A., Biocca, F. A., Barbatsis, G., Zhao, Y., & Fitzgerald, H. E. (2006). Does home internet use influence the academic performance of low-income children? *Developmental psychology, 42*(3), 429.
- Livingstone, S., & Bulger, M. E. (2013). A global agenda for children’s rights in the digital age.
- Livingstone, S. (2013). Online risk, harm and vulnerability: Reflections on the evidence base for child Internet safety policy. *ZER: Journal of Communication Studies, 18*(35), 13-28.
- Livingstone, S., & Haddon, L. (2009). *Kids online: Opportunities and risks for children: Policy press.*
- Livingstone, S., & Helsper, E. (2010). Balancing opportunities and risks in teenagers’ use of the internet: The role of online skills and internet self-efficacy. *New Media & Society, 12*(2), 309-329.
- Livingstone, S., & Helsper, E. (2007). Gradations in digital inclusion: Children, young people and the digital divide. *New Media & Society, 9*(4), 671-696.
- Livingstone, S., Haddon, L., Görzig, A., & Ólafsson, K. (2011). Risks and safety on the internet: the perspective of European children: full findings and policy implications from the EU Kids Online survey of 9-16 year olds and their parents in 25 countries.
- Livingstone, S., Mascheroni, G., Ólafsson, K., & Haddon, L. (2014). Children’s online risks and opportunities: Comparative findings from EU Kids Online and Net Children Go Mobile.
- Livingstone, S., Ólafsson, K., Helsper, E. J., Lupiáñez-Villanueva, F., Veltri, G. A., & Folkvord, F. (2017). Maximizing Opportunities and Minimizing Risks for Children Online: The Role of Digital Skills in Emerging Strategies of Parental Mediation. *Journal of Communication, 67*(1), 82-105. doi:10.1111/jcom.12277
- Nussbaum M. C. (2011). *Creating Capabilities: The Human Development Approach. Harvard University Press., p, 18, 19.*
- Purnama, S., Ulfah, M., Machali, I., Wibowo, A., & Narmaditya, B. S. (2021). Does digital literacy influence students’ online risk? Evidence from Covid-19. *Heliyon, 7*(6), e07406.
- Rodríguez-de-Dios, I., van Oosten, J. M. F., & Igartua, J.-J. (2018). A study of the relationship between parental mediation and adolescents’ digital skills, online risks and online opportunities. *Computers in Human Behavior, 82*, 186-198. doi:https://doi.org/10.1016/j.chb.2018.01.012
- Tartari, E. (2015). Benefits and risks of children and adolescents using social media. *European Scientific Journal, 11*(13).

- Van Deursen, A. J., & Van Dijk, J. A. (2014). The digital divide shifts to differences in usage. *New Media & Society, 16*(3), 507-526.
- Valkenburg, P. M., Piotrowski, J. T., Hermanns, J., & De Leeuw, R. (2013). Developing and validating the perceived parental media mediation scale: A self-determination perspective. *Human Communication Research, 39*(4), 445-469.
- Vossen, H. G., & Valkenburg, P. M. (2016). Do social media foster or curtail adolescents' empathy? A longitudinal study. *Computers in Human Behavior, 63*, 118-124.

---

پی‌نوشت‌ها

- <sup>1</sup> Livingstone and Haddon
- <sup>2</sup> Helsper
- <sup>3</sup> Rodríguez-de-Dios, Oosten & Igartua
- <sup>4</sup> Self-expression
- <sup>5</sup> Valkenburg & Piotrowski & Hermanns & De Leeuw
- <sup>6</sup> Vossen
- <sup>7</sup> Adachi & Willoughby
- <sup>8</sup> Jackson
- <sup>9</sup> O'Neill
- <sup>10</sup> Hurwitz & Schmitt
- <sup>11</sup> Purnama & Ulfah & Machali & Wibowo & Narmaditya
- <sup>12</sup> Cabello-Hutt, Claro & Cabello
- <sup>13</sup> Nussbaum
- <sup>14</sup> Basic users
- <sup>15</sup> Intermediate users
- <sup>16</sup> Advance users
- <sup>17</sup> Tartari
- <sup>18</sup> Button knowledge
- <sup>19</sup> Operational
- <sup>20</sup> Information-Navigation
- <sup>21</sup> Social
- <sup>22</sup> Creative
- <sup>23</sup> Mobile
- <sup>24</sup> Global Kids Online
- <sup>25</sup> Kardefelt-Winther
- <sup>26</sup> UNICEF
- <sup>27</sup> Global Kids Online
- <sup>28</sup> Global Kids Online
- <sup>29</sup> EU Kids Online
- <sup>30</sup> www.Porsline.com
- <sup>31</sup> Pre-test study
- <sup>32</sup> Margaryan & Littlejohn & Vojt
- <sup>33</sup> Chen & Shi
- <sup>34</sup> Cyber Bullying
- <sup>35</sup> Cyber Hate-Speech
- <sup>36</sup> Davis & Endlar
- <sup>37</sup> Boyd & Ellison
- <sup>38</sup> Mesh